



فرهنگی

# آیا مسجد همان سنگرمی ماند؟!

علی ادیب

اشاره

آیا مساجد ما در ۲۰ سال بعد همان نقش و کارکرد دینی و فعال پیشین خود را خواهند داشت؟ علی ادیب، نویسنده و منتقد ادبی حوزه و دانشگاه در شهر قم، و دارای سابقه‌ای ۱۵ ساله در حوزه ادبیات دینی است. وی، در متن حاضر، عنصر مسجد را از دهه ۴۰ تا ۷۰ بررسی کرده و بر این باور است که حرکت و پویایی مسجد در دهه ۸۰ تا ۹۰، موقوف به جنبش نرم‌افزاری و سخت‌افزاری دینی است.

مسجد، واژه مقدسی است. از وقتی یاد داریم، با این اسم بزرگ شده‌ایم. برای هر کدام از ما، این اسم به اندازه سن ما عمر کرده است. می‌دانیم که مسجد در صدر اسلام، محل انجام امورات مردم و مسلمین بوده است. پیامبر اسلام (ص) مسجد را محلی قرار داد تا مردم در عین تقدسی که برای آن قایل اند، لحظه‌ای خود را از آن بی‌نیاز ندانند. مسجد در آن زمان، محل اجتماع مردم بود. دین مبین اسلام همواره به اجتماع دستور داده و در دستورات دینی خودمان هم آمده است که دست خداوند با جماعت است؛ یعنی خداوند دوست دارد مردم بویژه مسلمانان جمع صمیمی و خوبی داشته باشند و با کمک آن جمع، بر مشکلات فردی و اجتماعی خود فایز آیند. مسجد در صدر اسلام، محلی بسود که مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های نظامی، امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در آن انجام می‌شد.

در روزهای انقلاب و پس از انقلاب و در زمان ۸ سال دفاع مقدس هم مساجد در کشور ما جایگاه ارزنده و ارزشمندی داشت و نقش عمده‌ای را در مسیر نیل به اهداف الهی و اسلامی ایفا کرد. مردم انقلابی و مؤمن ما به دستور رهبر بزرگ خود، مساجد را پایگاه سیاسی، دینی و نظامی خویش قرار دادند و در این سنگر از کیان خود دفاع کردند. در آن زمان، مهم‌ترین مباحث علمی، عقیدتی و دینی در مساجد طرح می‌شد و بیشترین تأثیر را در فرهنگ‌سازی مردمی ایفا می‌کرد. در سال‌های دفاع مقدس هم، مساجد محل جذب و اعزام نیروهای رزمنده بود. همچنین از این

**اگر این سنگر به تجهیزات روز برای جنگ فرهنگی و تبلیغی تجهیز نگردد، یقیناً به همان جایی خواهد رسید که مساجد دنیای ترک و عرب به آن رسیده‌اند: مساجدی فقط برای خواندن نماز، قرائت و حقه قرآن!**

**مسجد باید در آینده این کشور، همان نقشی را بیافریند که در سال ۴۲ آفرید و همان تأثیری را داشته باشد که از سال ۵۷ تا ۶۷ داشت: سنگری مستحکم برای جذب، تربیت، پرورش و سازماندهی حزب‌الله و اهل جهاد.**

مساجد بود که مردم، کمک‌های خود را به جبهه‌های حق علیه باطل گسیل داشتند و در کنار رزمندگانشان، سد عظیمی را در برابر دشمنان دین ایجاد کردند.

با پایان یافتن جنگ، مساجد به محل تشکیل کلاس‌های فرهنگی، علمی و ورزشی بدل شد. در این راه هم توانست مراحل از پیشرفت را طی کند؛ اما این سیر چندان قوی و درخشان نبود. شاید بتوان علت آن اتفاق را در نوع نگاه مردم و مسؤولان به مسجد و به کار فرهنگی، هنری، ورزشی و علمی دانست. این روزها کسانی هستند که بنا بر احساس وظیفه، برخی از مساجد را آماده حضور جوانان،

نوجوانان و کودکان می‌کنند. این حرکت در شروع خوب است، ولی وقتی اندکی پیش می‌روند، با بحران مالی، پشتیبانی فکری و... روبرو می‌شوند. این امر سبب می‌شود تا کار مهم آنان به تعطیلی بیانجامد.

اگر چه تا دیروز جنگ بود و نوع فعالیت مساجد، با امروز متفاوت بود، اما اکنون باید بپذیریم که شرایط آن زمان، آن ملزومات را می‌پذیرفت. امروز که عصر شکوفایی هنرهای گوناگون، استفاده از رسانه‌های مختلف و بهره‌گیری از ابزارهای صوتی و تصویری است، یک مرکز فرهنگی نمی‌تواند از داشتن چنین امکاناتی محروم باشد؛ در عین حال باید توجه داشت که هر وسیله‌ای اگر چه فواید بی‌شماری دارد، اما در کنار خود مضراتی هم دارد که نباید از آن غافل بود. برای مثال، کبریت وسیله خوبی است برای روشن کردن آتش، گرم شدن، پختن غذا، روشنایی گرفتن و...، اما اگر همین وسیله در دست فردی ناآگاه بیفتد، ممکن است سبب سوختن و نابودی شود. چنین استفاده نادرست و چنین کار حساب نشده‌ای، سرانجام به آنجا خواهد انجامید که دودش به چشم خود ما خواهد رفت.

بی‌هیچ شک و تردیدی اگر بخواهیم مساجد را از کسالت و خمودگی درآوریم و آن را به محلی برای اجتماع مردم، بویژه جوانان و نوجوانان بدل کنیم، ضروری است تا چنان برنامه‌ای را آماده سازیم که مردم یقین کنند برخی از مشکلات و ملزومات خود را باید در مسجد بیابند. به ویژه جوانان باید به این یقین برسند که اگر با مسجد آشنا نشوند و در جمع مسجدی‌ها حضور نیابند، نمی‌توانند بخشی از نیازهای خود را برآورده سازند. بنابراین، مساجد باید همراه با علم و تکنولوژی روز تجهیز شوند و با تربیت افرادی لایق و کاردان، طوری حرکت کنند که استفاده از ابزارهای روز به سود ما به کار گرفته شود، نه به ضرر ما. به یقین مسجدی که بخواهد در جامعه امروز بویا باشد، چاره‌ای جز تجهیز شدن به ابزار فرهنگ و هنر ندارد و روحانی - که حلقه رابط مراکز علمی و دینی با مردم است - هم چاره‌ای جز تجهیز شدن به معلومات روز ندارد؛ و الا مخاطبی که می‌داند اگر ساعتی را با

رسانه‌ای بگذرانند، می‌تواند استفاده بهتری از وقت خود ببرد، رغبت چندانی به حضور در مسجد نخواهد داشت.

از سوی دیگر، خانواده‌ها نیز اگر به این باور برسند که مساجد می‌توانند امکانات رشد و ترقی جوانان، نوجوانان و کودکانشان را فراهم کنند و مطمئن شوند نوع استفاده از آن امکانات، به گونه‌ای است که موجبات رشد و ترقی علمی، اخلاقی و اعتقادی فرزندانشان را فراهم می‌آورد، نه تنها مانع حضور آنها در این مرکز مهم اسلامی نمی‌شوند، بلکه مشوق اصلی فرزندان خویش هم خواهند بود.

مرکزی چون مسجد که جایگاه عظیمی در اسلام و میان مسلمانان دارد، باید به ابزارهای فرهنگی و علمی روز مجهز شود، و با در اختیار گرفتن افراد قابل اعتماد و آگاه، زمینه‌های تربیت جوانان، نوجوانان و کودکان مسلمان را فراهم آورد؛ در غیر این صورت، هر روز شاهد خمودگی بیش از پیش مساجد خواهیم بود و آن روز، حسی عده اندکی از پیرمردان و سالخورده‌گان هم شاید مسجد را در خاطره خود فراموش کنند؛ چه زمان پرخطری خواهد بود آن روز، پس باید با تدبیر و فکری نو، فردا را دریابیم.

دهه‌های بعد، مسجد همچنان مانند دهه‌های پیشین سنگر خواهد ماند؛ اما اگر این سنگر به تجهیزات روز برای جنگ فرهنگی و تبلیغی تجهیز نگردد، یقیناً به همان جایی خواهد رسید که مساجد دنیای ترک و عرب به آن رسیده‌اند: مساجدی فقط برای خواندن نماز، قرائت و حفظ قرآن!

انفکاک فرهنگ و هنر از عبادت و جهاد، کاری است که آدم‌های دلباخته آملی «راسل» و «پوپر» در این چند سال با برپایی بیرق فرهنگ‌سراها در مقابل مسجد و تقویت خانه‌های هنر و فرهنگ در برابر حسینیه‌ها انجام دادند. جدایی این دو از یک دیگر، همان چیزی است که در نمای بزرگ تر مفهوم‌شناسی آن را جدایی دین و مکتب از معیشت و سیاست می‌نامند. مسجد باید در آینده این کشور، همان نقشی را بیافریند که در سال ۴۲ آفرید و همان تأثیری را داشته باشد که از سال ۵۷ تا ۶۷ داشت: سنگری مستحکم برای جذب، تربیت، پرورش و سازماندهی حزب‌الله و اهل جهاد.

آیا مساجد ۲۰ سال بعد ما، سنگر خواهند ماند یا دچار همان بی‌هویتی مساجد آل سعود خواهند شد؟ این سرانجام، به کارکرد مسؤولان فرهنگ و سیاست و حضور جوانان اهل درد وابسته است.